

یا ابن ابهر علیک سلامی و عنایتی و رحمتی ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۷۰۲

جناب ابن ابهر علیه بهاء الله

هو الله تعالى شأنه الحکمة و البیان

یا ابن ابهر علیک سلامی و عنایتی و رحمتی نامه‌ئی که نزد بدیع الله ارسال داشتی بحضور و شرف اصغا فائز الله الحمد مزین بود بذکر حق سبحانه و تعالی و منور بود بانوار محبت الهی از حق میطلبیم ترا تأیید فرماید بر خدمت امر اگر بحکمت و بیان به ارض زاء توجه نمائی لدی الله مقبولست و از آنجا باراضی اخری ان ربک هو المبین العلیم و همچنین نامه‌ئی که باسم جود علیه بهائی و عنایتی ارسال داشتی لدی الوجه مذکور ایام ایام الله است باید لوجه الله بتبلیغ امر مشغول شوی شاید اعراض عباد باقبال و کفر بایمان و شرک بتوحید تبدیل گردد فضل حق لایحصى بوده و هست عجب از نفوسی که بالوان فانیة دنیا و زندگانی دو یوم از نعمتهای باقیة الهی و زندگی سرمدی محروم ماندند از حق بطلب باصبع ایادی امر یعنی نفوس ثابته راسخه مطمئنه مرضیه حجات را خرق فرماید و سبحات را براندازد و سد حائل را بردارد اوست مقتدر و توانا

ذکر نغزالدین علیه بهائی را نمودید انا ذکره فی هذا الحین بآیات الله رب العالمین و نبشره بفضلی و رحمتی و انا المبشر الکرم یا نغزالدین ذکرک من احبب ذکرتک بهذا الکتاب المبین انه یحب من احبه و یدکر من ذکره رحمة من عنده و هو الفضال العزیز الحمید ضع ما عند القوم و خذ ما اوتیت من لدی الله المقتدر القدر ایاک ان یمنعک ما عند العباد عن مالک الایجاد او تحزنک شماتة المعتدین خذ الکتاب بقوة من عندنا و حکمة من لدنا ان ربک هو الامر العلیم قل

الهی الهی لک الحمد بما یدتنی علی التوجه الیک و الاقبال الی افقک اسألك بخباء مجدک و سراق حفظک و بأمرک الذی به سخرت عبادک و خلقتک بأن تجعلنی ثابتاً راسخاً مستقیماً علی امرک ثم اکتب لی یا الهی من قلمک الأعلى ما یقرّبنی الیک فی کلّ الأحوال انک انت الغنی المتعال



ORIGINAL

یا ابن ابهر نذکر فی هذا الحین امّک الّتی اقبلت و سمعت و آمنت بالله العزیز الجمیل انا ذکرناها من قبل بما لا یقطع عرفه بدوام اسمائی الحسنی و انا الشّاهد النّاطق الّأمین طوبی لها و نعیماً لها بما وفّت بعهدّها و ما نقضت میثاقها طوبی لها و لمن احبّها لوجه الله العزیز العظیم کبر من قبلی علی وجهها و ذکرها بما نزل من سماء العطاء و بشرها برحمتی الّتی سبقت من فی السّموات و الأرضین

ذکر موقفه جدیدہ را نمودید از قبل مظلوم ذکرش نما بگویا امتی عالم از برای عرفان حقّ جلّ جلاله از عدم بوجود آمد و چون مقصود ظاهر و برهان کامل و آیات نازل و بیّنات باهر کل اعراض نمودند و بسب و لعن مشغول گشتند لله الحمد ید عنایت ترا نجات داد و راه نمود فائز شدی بآنچه که ضدّ و مثل از برای او نبوده و نیست بشری امائی بعنایتی و ذکر و رحمتی و فضلی الّذی احاط الوجود من الغیب و الشّهود جناب خال و سمیّ را از قبل مظلوم تکبیر برسان ذکرشان لدی المسجون مذکور و هریک بآیات و عنایت حقّ فائز نسأل الله ان یؤیّدھما و یوفّقھما علی ذکره و ثنائہ و خدمۃ امره العزیز البدیع البہاء علیک و علی الذّین سمعوا و اجابوا و علی اللّائی آمنّ بالله الفرد الواحد العلیم الخبیر